Social crisis management

1986
Imam Hossein
Comprehensive
University

3

Vol. 14
Autumn 2023

Positions and foreign policy strategy of the Islamic Republic of Iran In the Ukrain crisis (February 24, 2022)

Hamid Salehi [1] | Marzieh Sadat Sajadi [2]

Research Paper

Received:
29 August 2022
Revised:
1 October 2022
Accepted:
3 November2022
Published:
21 November2022
P.P: 63-101

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285

CC BY NC

Abstract

The Ukraine crisis is one of the major political issues and military upheavals,as there has been no attack on a European country since 1945. Considering Iran's strategic positions regarding this crisis and its great importance for this country and the region, the present study aims to scrutinize Iran's foreign policy strategy for this crisis. To this end, we used the descriptive-analytical method and the theory of Structural Realism. The research question is: "What is the strategy of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran toward the Ukraine-Russia war?" The research hypothesis is that adopting a policy that is biased toward Russia or aligned with national interests is important to the Ukraine crisis, and Iran should support its strategic ally, Russia, with its foreign policy; besides, Iran should adopt a rational position toward Ukraine based on national interests. Accordingly, the current foreign policy of the Islamic Republic of Iran considers the Ukraine crisis both a threat and an opportunity. This country always seeks to attain its own interestsand play a role in adopting an in-between policy to solve the problemwith a focus on its national interests.

Keywords: Strategy; Iran’ s foreign policy; Ukraine crisis; Russia; European Union.

1. Corresponding Author, Doctoral student, Political Science, Law and Political Science Faculty, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Sajadi5759@gmail.com.
2. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Sajadi, M & Salehi, H(2022). Positions and foreign policy strategy of the Islamic Republic of Iran In the Ukrain crisis (February 24, 2022). *Crisis Management and Emergency Situations*, *15*(3), 45–74.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**

۳
سال چهاردهم
پاییز ۱۴۰۱

مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)

دکتر حمید صالحی [۱] | مرضیه‌سادات سجادی [۲]

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰
صص: ۷۴-۴۵

شاپا چاپی: ۳۵۶۴-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۵۲۸۵-۲۶۴۵

CC BY NC

چکیده

بحران اوکراین، یکی از موضوعات سیاسی و تحولات نظامی شگرفی است که از سال ۱۹۴۵ تاکنون شاهد حمله به یک کشور اروپایی نبوده‌ایم با توجه به مواضع استراتژیک ایران پیرامون این بحران و اهمیت بسزایی که برای ایران و منطقه دارد درصدد هستیم استراتژی سیاست خارجی ایران را درخصوص بحران کنونی اوکراین مورد مداقه قرار دهیم. این مهم با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری انجام شده، که پرسش «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به جنگ اوکراین و روسیه چیست؟» سؤال این پژوهش می‌باشد و فرضیه بر این پایه استوار است که اتخاذ سیاست جانبدارانه با روسیه و یا همسو با منافع ملی نسبت به‌بحران اوکراین دارای اهمیت می‌باشد و از یک طرف می‌بایست متحد استراتژیک خود یعنی روسیه را با سیاست خارجی خود همراه کند و از طرف دیگر نسبت به اوکراین مواضع عقلانی و مبتنی بر منافع ملی اتخاذ نماید بر این اساس در شرایط کنونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بحران اوکراین را به‌عنوان تهدید و فرصت تلقی می‌کند و همواره به‌دنبال تأمین منافع خود نیز می‌باشد و با محور قرار دادن منافع ملی درصدد تأمین سیاست میانه در راستای حل مشکل به‌وجود آمده ایفای نقش می‌کند.

کلیدواژه‌ها: راهبرد؛ سیاست خارجی ایران؛ بحران اوکراین؛ روسیه؛ اتحادیه اروپا

۱. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران . Sajadi5759@gmail.com

استناد: صالحی ، حمید و سجادی ، مرضیه‌سادات. (۱۴۰۱). مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲). *فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری*، ۱۴(۳)، ۷۴-۴۵.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان

مقدمه

اوکراین به‌دلیل موقعیت ژئوپلتیکی خود به‌عنوان محل تلاقی شرق و غرب، ظرفیت‌های صنعتی و پیشینه تاریخی در منطقه اوراسیا اهمیت زیادی دارد. همین ویژگی‌های منحصربه‌فرد و همچنین بافت قومیتی دو پاره آن، این کشور را به محلی برای برخورد و رقابت های شرق و غرب تبدیل کرده است (کولایی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). اوکراین در لغت به معنای «بر لبه[1]» ترجمه شده است وجه تسمیه آن، این است که بر لبه کشورهای دیگر قرار گرفته و در طول تاریخ دائما میان کشورهای اطراف خود تقسیم شده است. روسیه و غرب تاکنون نقش غیر قابل انکاری را در بحران اوکراین ایفا نمودند. فلسفه این بحران و نقطه شروع آن، به رقابت میان غرب گرایان و هواداران روسیه بر سر جهت گیری سیاست خارجی اوکراین برمی گردد؛ رقابتی که با توجه به موقعیت ژئوپلتیکی این کشور، نه روسیه و نه غرب، هیچ‌کدام نمی‌توانستند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند (شاپوری،۱۳۹۳: ۵۹).

از لحاظ راهبردی، اوکراین طی ۴ قرن گذشته، نقش حائل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه بوده است. اوکراین به عنوان سنگرگاه روسیه در برابر ناتو عمل کرده (بهمن،۱۳۹۳: ۵۶) و ازاین‌رو روس‌ها از نفوذ و حضور غرب در خارج نزدیک یا حیات خلوت خویش که اوکراین نیز جزئی از آن است واهمه دارند (شاپوری،۱۳۹۳: ۶۵).

بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی کی‌یف همواره میان غرب و جمهوری فدراتیو روسیه در نوسان بوده و دولتمردان اوکراینی هیچگاه نتوانستند، در روابط خارجی به تعادلی پایدار برسند تا از حساسیت‌های روسیه و کشورهای غربی نسبت به خود بکاهند (نسرین دخت، ۱۳۸۵: ۴۸). تأثیرات و فضای روانی به جا مانده از بلوک‌بندی‌های دوره جنگ سرد و تلاش غرب برای یارکشی از حیاط‌خلوت روسیه، همچنان بر تحولات این منطقه تأثیر می‌گذارد. روابط دو کشور از سال ۲۰۱۴ و پس از تحولات داخلی اوکراین و برکناری «ویکتور یانوکوویچ[2]» رئیس‌جمهوری سابق و طرفدار روسیه، وارد دوره‌ای جدید از مناقشات سیاسی، امنیتی و اقتصادی

1. on the edge
2. Viktor Yanukovych

شده است. حمایت اتحادیه اروپا و ایالات متحده از دولت غربگرای اوکراین و همچنین الحاق شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه توسط «ولادیمیر پوتین» بر مناقشات دو طرف افزود (حمیدپور و سرابی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۱۱/۱۸). با توجه به موارد یادشده، اکثر استراتژیست‌ها معتقدند روسیه با اوکراین یک قدرت جهانی است و روسیه بدون اوکراین، چیزی فراتر از قدرت منطقه‌ای نیست. بنابراین از دید راهبردی، اوکراین در کانون تمرکز مسکو است و با توجه به موقعیت خاص ژئوپلتیکی و قرابت جغرافیایی آن با قدرت‌های بزرگ به یکی از مهم‌ترین کانون‌های اصطکاک قدرت‌ها تبدیل شده است (نونژاد و کریمی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). درگیری و کشمکش شکاف‌های هویتی اوکراین بسترساز ورود قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای به آن شده و معمای امنیتی و عدم قطعیت در روابط قدرت‌های بزرگ نیز به‌عنوان پیامد ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی بر پیچیدگی‌های آن افزوده است. رویارویی روسیه با مجموعه غرب به رهبری آمریکا بر سر اوکراین شباهت‌هایی با جنگ سرد قدیم میان بلوک شرق و غرب دارد، اما به‌دلیل ویژگی‌های خاص و متفاوت می‌توان این رویارویی را ظهور «جنگ سرد جدید» منهای ایدئولوژی نامید (شیخ‌الاسلام و شیراوند،۱۳۹۶: ۸۹).

با به قدرت رسیدن مجدد ولادیمیر پوتین، رویکرد اوراسیاگرایی روسیه پر رنگ‌تر و روسیه نظم جهانی جدیدی را دنبال می‌کند و به‌دنبال تعیین قواعد بازی و شکستن انحصار آمریکایی-اروپایی در مورد مسائل اروپای شرقی است (رستمی،۱۳۹۳: ۶۱). در نگاه کرملین چنانچه اوکراین از دست برود، امپراتوری روسیه از دست می‌رود و پوتین رویای خود برای بنای دوباره روسیه‌ای بزرگتر را بربادرفته خواهد دید و بنابراین اوکراین با ارزش‌ترین عامل در تحقق این رویاست و به انگاره روسیه بزرگ‌تر تجسم می‌بخشد (نایگرن[1]، ۲۰۰۸: ۲۲۹). ایالات متحده آمریکا نیز با هدف برقراری هژمونی خود درصدد غربی سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور می‌باشد و همانند دوران جنگ سرد به سیاست مهار و سد نفوذ روسیه رجعت کرده است (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۶۶). دکترین نظامی و امنیتی ۲۰۱۷ روسیه، بر ضرورت مقابله پرشدت با تهدیدهای منطقه‌ای تأکید داشت و گسترش روند غرب‌گرایی اوکراین، زمینه واکنش روسیه را به

1. Nygren, Bertil

وجود آورد. بنابراین حمله نظامی روسیه به اوکراین بر اساس ضرورت‌ها و واقعیت‌های دکترین نظامی و امنیتی آن کشور شکل گرفت (دنیای اقتصاد، متقی، ۱۴۰۰/۱۲/۷).

پیامدهای جهانی شدن بحران اوکراین به حوزه اروپا محدود نشده و در اولویت‌های سیاست خارجی بسیاری از کشورها تأثیر گذاشته است، در این میان کشورهایی همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند خواه‌ناخواه تحت‌تأثیر این رقابت‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین توجه بیشتر و تحلیل دقیق‌تر فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از بحران اوکراین در راستای کاهش حداکثری آثار سوء و تأمین منافع ملی ضرورت می‌یابد. هدف از نوشتار حاضر، تبیین راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در بحران اوکراین که با روشی توصیفی- تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری انجام شده است.

اهداف فرعی به شرح زیر است:

۱. تبیین فرازونشیب مواضع و راهبرد ایران از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین؛

۲. شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین؛

۳. بررسی راهبردهای ایران در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بحران اوکراین؛

۴. تبیین تأثیر بحران اوکراین بر مذاکرات احیای برجام؛

بنابراین با انتخاب واقع‌گرایی ساختاری به‌عنوان چارچوب تئوریک این مقاله، در صدد پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش هستیم که «مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به جنگ اوکراین و روسیه (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) چیست؟»

هم چنین سؤالات فرعی نیز به شرح زیر است:

۱. موضع اولیه ایران از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، بر چه اصولی استوار بوده است؟

۲. در قبال بحران اوکراین، جهت تأمین حداکثر منافع ملی ایران چه موضعی باید اتخاذ شود؟

۳. آنچه که در اوکراین درحال حاضر در جریان است، در بردارنده چه فرصت‌ها و تهدیداتی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؟

۴. انواع راهبرد ایران در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران اوکراین کدام است؟

۵. بحران اوکراین چه تأثیری بر معادلات و موازنه قوا میان طرف‌های مذاکره‌کننده و بینش آن‌ها در بحران هسته‌ای ایران و مذاکرات احیای برجام دارد؟

فرضیه بر این پایه استوار است که اتخاذ سیاست جانبدارانه با روسیه و یا همسو با منافع ملی نسبت به بحران اوکراین دارای اهمیت می‌باشد و از یک طرف می‌بایست متحد استراتژیک خود یعنی روسیه را با سیاست خارجی خود همراه و همسوکند و از طرف دیگر نسبت به اوکراین مواضع عقلانی و مبتنی بر منافع ملی اتخاذ نماید، بر این اساس در شرایط کنونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بحران اوکراین را به‌عنوان تهدید و فرصت تلقی می کند و همواره به‌دنبال تأمین منافع خود نیز می‌باشد. برای آزمون این مدعا سیاست خارجی ایران در سه سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی بررسی شده، حال در چنین چارچوبی به بررسی و تبیین مواضع سیاست خارجی ایران می‌پردازیم.

تعاریف مفاهیم و ادبیات

مفهوم بحران[1]: بحران رویدادی است که به‌طور طبیعی، به‌وسیله بشر یا به‌طور ناگهانی یا به‌صورت فزاینده به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌نماید که برای برطرف‌سازی و مدیریت آن، نیاز به داشتن برنامه‌ای استراتژیک و اقدامات اضطراری و فوق‌العاده است. بر اساس تعریف سازمان ملل، اصطلاح «بحران» به توقف جدی فعالیت‌های جامعه گفته می شود که موجب تلفات انسانی، منابع یا زیست محیطی شده و تبعات آن، فراتر از توان منابع، جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (صفری و عظیمی، ۱۴۰۰).

مفهوم مدیریت بحران[2]: مفهوم مدیریت بحران به عنوان یک رویکرد بلندمدت، در ابتدا رویکردی تسکینی بود و به مرور با رویکرد آمادگی جایگزین شد و کاهش آسیب پذیری به عنوان بخشی از فرآیند توسعه برنامه‌ریزی در این رویکرد مدنظر قرارگرفت. طی فرایند مدیریت بحران، شناسایی بحران‌های مختلف برای طرح‌ریزی استراتژی‌های متناسب با بحران الزامی است (فداکاریان و حسینی، ۱۴۰۰: ۱۳).

1. crisis
2. crisis Managment

مفهوم بحران اوکراین۲۰۲۲[1]: ۵ اسفند ۱۴۰۰ (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) روسیه تهاجم گسترده‌ای را به اوکراین، همسایه غربی خود آغاز کرد که نشان‌دهنده تشدید چشمگیر بحران روسیه و اوکراین است که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده بود. این تهاجم بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است.

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

مبانی نظری؛ واقع‌گرایی ساختاری

«کنت والتز» با اتخاذ بسیاری از مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی کلاسیک، به ارائه تبیینیِ ساختاری از رفتار بازیگران در محیط آنارشیک بین الملل پرداخت و نگاهی جدید را وارد عرصه تحلیل پویش‌های رفتاری بازیگران می‌کند (قوام، ۱۳۹۲: ۸۶). نو واقع‌گرایی سطح تحلیل را نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است که ساختار نظام بین‌الملل نوع و قواعد بازی را مشخص می‌کند. بر این اساس سیاست خارجی همه دولت‌ها تحت‌تأثیر عوامل سیستمیک قرار دارد (همان، ۸۵). نوواقع‌گرایی روایتی قدرتمند از واقع‌گرایی است که می‌گوید تا وقتی نظام بین‌الملل اقتدارگریز باشد، کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت (علیرضا محمدخانی، ۱۳۸۸: ۶۳).

ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل سه الگوی رفتاری را برای کشورها در روابط بین‌الملل ایجاب و اجتناب‌ناپذیر می‌کند. اولاً، آنارشی باعث بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌شود. ثانیاً، مهم‌ترین هدف دولت‌ها در نظام بین‌الملل آنارشیک، تأمین امنیت و تضمین بقاست. ثالثاً کشورها در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز تلاش می‌کنند برای تأمین امنیت خود به کسب قدرت مبادرت ورزند (فتحی، ۱۳۹۹: ۲۶۳). در این نظریه، با الهام از نظریه بازی‌ها و نظریه انتخاب عقلانی، دولت‌ها به‌عنوان کنش‌گران عقلانی فرض می‌شوند که با محاسبه سود و زیان خود و در صورت وقوع تهدیدات مشترک، بر اساس مصلحت، برای رفع تهدیدات دست به اتحاد و ائتلاف با هم‌تایان خود که آن‌ها نیز در معرض چنین تهدیدات مشابهی هستند، می‌زنند. بنابراین، اتحاد و ائتلاف در چنین نظریاتی، عامل دفع تهدید و ایجاد موازنه قدرت در برابر تهدیدگر به‌شمار می رود (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). از نظر والتز، اتحادها به این دلیل شکل می‌گیرند که دولت‌های

1. Ukrain crisis 2022

ضعیف‌تر باید برای مقابله با قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد شوند تا در نظام بین‌الملل آنارشیک بقا یابند (والتز[1]، ۱۹۸۸: ۶۱۵).

روسیه، در نظم جدید بین الملل مبتنی بر قدرت هژمونی ایالات متحده آمریکا، از آزادی عمل دوران دوقطبی محروم گردیده و با محدودیت های تحمیلی از سوی ساختار جدید مواجه شده، از همین برداشت ساختارگرایانه به نظام بین الملل و مفهوم نبود اقتدار مرکزی (آنارشی) است که دولت‌ها در وضعیت آنارشیک اقدام به موازنه می‌کنند و ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، باعث تحریک دولت‌ها به سمت ارائه یک رفتار توازن‌بخش به‌عنوان یک رفتار خودیار خردمندانه می‌شود (موسوی، ۱۳۹۶: ۹۲). در همین راستا و بر اساس تهدیدات مشترک و یا درک مشترک از تهدیدات، تهران و مسکو اقدامات و گسترش ناتو به سمت شرق اروپا را تهدید استراتژیک برای مرزهای خود تعریف کردند و در بحران اوکراین نیز، دو کشور هم‌زمان آماج سیاست‌های تحریمی آمریکا و غرب قرار گرفته و برای مقابله با تحریم‌ها به همکاری‌های اقتصادی- نظامی و منطقه ای روی آوردند، ماهیت تعامل میان دو کشور یک «ائتلاف استراتژیک گزینشی» بوده که بر اساس شرایط قابل تغییر است.

در صحنه تحولات اوکراین نیز، در بحث تأمین انرژی اروپا تقابل منافع، در جهت‌دهی به روابط ایران و روسیه را باید دید و کشورهای اروپایی را که به گاز روسیه وابسته هستند، در اینجا به سمت بهره‌برداری از منابع انرژی ایران سوق می‌دهد.

اصلی‌ترین بحث این نظریه تأثیرات ساختار نظام بین‌الملل بر رفتار بازیگران است، بدین معنی که از نظر نو واقعگرایان ساختار نظام بین‌الملل تعیین کننده اصلی رفتار بازیگران است، بر این اساس سیاست خارجی ایران بر مبنای کنش و واکنش های شرق و غرب در ارتباط با بحران اوکراین تنظیم خواهد شد. ایران می‌بایست بر اساس تحلیل هزینه و فایده دست به اقدام زند و با استفاده از شکاف‌های ایجاد شده نقشی فعال ایفا کند و منافع خود را تأمین کند. این پژوهش درصدد کاربست نظریه واقع‌گرایی ساختاری برای تحلیل مواضع و راهبرد جمهوری اسلامی در قبال بحران اوکراین است.

1. Waltz

پیشینهٔ پژوهش

تاکنون درباره ریشه بحران اوکراین با عناوین گوناگون و بررسی‌های موردی مطالعاتی صورت گرفته است که می‌توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد:

محمدرضا رستمی (۱۳۹۳)، در اثری با عنوان «بحران اوکراین؛ زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرامنطقه‌ای»؛ الهه کولایی (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه»؛ کریمی‌فرد و روحی دهینه (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «بیشینه‌سازی قدرت روسیه درقبال بحران اوکراین»؛ فلاحی و عامری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ ناصر زمانی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ریشه ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب»؛ محمد نونژاد و مرتضی کریمی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران»؛ محمود احمدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین بر روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب».

اگرچه پژوهش های یادشده، بحران اوکراین را به‌گونه‌ای روشمند و هدفمند بررسی کرده‌اند، با این حال، تمامی این آثار و همچنین دیگر مقالات که به موضوع بحران اوکراین پرداخته اند، عمدتاً تحلیل ها معطوف به روند گذشته، ریشه و ماهیت بحران ۲۰۱۴ اوکراین و یا در قالب تنش آمریکا و روسیه بوده و به‌طور مشخص، درباره مواضع و رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ کنونی اوکراین و روسیه و چشم‌انداز و مسیر پیش‌روی این رابطه، به تحلیل و نتیجه‌گیری نپرداخته‌اند. بر این اساس، نوآوری مقاله حاضر در پی آن است که از یک سو، با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری و در قالب گزاره‌های این نظریه و از سوی دیگر، با دیدی معطوف به آینده و تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو به بررسی مواضع و راهبرد جمهوری اسلامی در بحران اوکراین پرداخته و این موضوع را مورد تحلیل قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ روش از نوع توصیفی- تحلیلی است و داده‌های موردنیاز پژوهش نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای؛ استفاده از آثار، پژوهش‌ها و مقاله‌های موجود در اینترنت و خبرگزاری‌ها و گزارش‌های علمی گردآوری شده‌اند. این پژوهش به‌لحاظ هدف،کاربردی است؛ زیرا با نتایجی که از طریق آن به‌دست می‌آید، می‌توان در بحران کنونی به ارزیابی تهدیدها و فرصت‌های ناشی از نظام بین‌الملل آنارشیک پرداخته و با برآورد هزینه و فایده اقدام کرد و سیاست خارجی خاص را در قبال آن تدوین و اجرا کرد.

یافته‌های پژوهش

مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران اوکراین

۱- تأثیر بحران اوکراین بر مواضع و راهبرد ایران در سطح داخلی

در قبال حملهٔ روسیه چند موضع و جهت‌گیری متصور است؛ نخست این‌که ایران مثل آمریکا و اروپا به صراحت محکوم کند، مناقشهٔ اتمی و اختلافات ریشه دار با ایالات متحده مانع این موضع شد. در صورتی که روسیه را محکوم می‌کردند با بخش‌های دیگر حاکمیت هم‌سو نبود و این گزینه در چینش سیاسی اتخاذ نشد. دوم این‌که ایران مثل سوریه از روسیه حمایت می‌کرد، در این حالت افکار عمومی در ایران نمی‌پذیرفت که از تعدی‌گری کشوری حمایت کنیم که خود با همین تجاوزها بخش‌های گسترده‌ای از میهن ما را جدا کرده است. سوم این که مثل چین و هند موضع ممتنع گرفته شود در حالی که آن ها اقتصاد برتر یا نوظهورند اما ایران درگیر معیشت و رفع تحریم است.

موضع ایران در قبال بحران اوکراین و در ادبیات رسمی کشور در حالی که گفته می شود ایران مخالف جنگ در اوکراین است، به‌طور کامل عملیات نظامی روسیه را محکوم نمی‌کند و مسئولیت آن متوجه مسکو دانسته نمی‌شود و غرب را به‌دلیل حضور ناتو در منطقه و گسترش آن مقصر می‌داند. دلایل این واکنش آرام و محتاطانه ایران را می‌توان در روابط حسنه ایران با روسیه

در چند دهه گذشته و روابط تیره این کشور با غرب و تحولات در سراسر خاورمیانه جستجو کرد. در شرایطی که ایران در یک جبهه با تحریم‌های بی‌رحمانه و فشارهای اقتصادی ناشی از آن مواجه است و هم‌زمان در جبهه‌ای موازی، برای خروج از وضعیت پرفشار کنونی، مذاکرات هسته‌ای با طرف غربی را پیش می‌برد. ایران در منظومه جدید سیاست خارجی خود، فقط هدف تأمین منافع ملی را در افق نگاه خود قرار داده و اقداماتش را با این نشانگر تنظیم می‌کند. بر همین مبنا اقدامات دستگاه دیپلماسی از گفت‌وگو با طرف غربی گرفته تا گسترش تعامل با روسیه و چین، همه به منظور بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه ملی، برای رفع مشکلات است. در واکنش‌های ایران در قبال تهاجم روسیه به اوکراین در سطح داخلی اختلاف مواضع را شاهدیم و شکاف گسترده‌ای را بین موضع رسمی دولتی و رویکرد عمومی مردم ایران از یک سو و بین نخبگان سیاسی محافظه‌کار و میانه‌رو ایجاد کرده و بسیاری از نخبگان سیاسی خواستار تجدیدنظر در روابط نزدیک با مسکو هستند و این حاکی از شکاف فزاینده بر سر میزان و ماهیت روابط با روسیه است. با توجه به آنچه گفته شد، اختلاف مواضع در قبال بحران اوکراین در سطح داخلی را در جدول ذیل بررسی می‌کنیم.

جدول ۱. اختلاف مواضع در قبال بحران اوکراین (گزارش اکو ایران، آزادی؛ ۱۴۰۰/۲/۱۸)

دستگاه سیاست خارجی	حسین امیرعبداللهیان؛ وزیر امور خارجه ایران، در اولین واکنش خود پس از حمله روسیه به اوکراین، ریشه این بحران را در تحریکات ناتو تعریف می‌کند و خواستار آتش‌بس فوری و بر راه‌حل سیاسی و دموکراتیک تأکید می‌کند. برای توصیف وضعیت، از کلماتی مانند «تهاجم» نیز استفاده نمی‌کند. سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در بیانیه‌ای می‌گوید: جمهوری اسلامی ایران طرفین را به توقف درگیری‌ها و آتش‌بس برای مذاکره فوری به منظور حل‌وفصل سیاسی بحران دعوت کرده و ضرورت رعایت حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه در درگیری‌های نظامی را مجدانه یادآوری می‌کند. محمود عباس‌زاده مشکینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی معتقد است: استراتژی جمهوری اسلامی در قبال بحران اوکراین هیچگاه انفعالی نبوده و وقتی غربی‌ها کشوری را محاصره کردند یا خواستند نظام آن کشور را سرنگون کنند، رویکرد جمهوری اسلامی ایران انفعالی نبوده بلکه فعالیت اثربخشی هم ایفا کرده است.

سیاسیون سابق	محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق، حمله روسیه به اوکراین را به‌عنوان «تهاجم یک قدرت خارجی به سرزمینی آزاد» محکوم کرد. محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق موضعی مشابه داشت. علی مطهری، نماینده سابق مجلس ایران، با انتقاد از رادیو و تلویزیون دولتی، که جنگ اوکراین را گونه‌ای پوشش می‌دهد که گویی ایران «یک مستعمره روسیه» است. جاوید قربان اوغلی، دیپلمات کهنه‌کار تأکید می‌کند که ایران باید سیاست خارجی مستقلی را دنبال کند و «روی اسب بازنده، یعنی روسیه شرط نبندد». حمیدرضا آصفی، سخنگوی اسبق وزارت خارجه معتقد است در جریان جنگ روسیه و اوکراین موضع بی‌طرفی فعال داشته باشیم و به نوعی میانجگری کنیم.
جناح‌های محافظه‌کار و اصولگرایان تندرو	استدلال می‌کنند که ایران باید بر اساس شرایط بین‌المللی کنونی برای توسعه روابط خود با روسیه و در نتیجه تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود گام بردارد. سرلشکر یحیی رحیم صفوی، مشاور ارشد نظامی رهبر عالی ایران، بحران اوکراین را نشانه‌ای از «آغاز انتقال قدرت از غرب به شرق» می‌داند. ایران یک کشور آسیایی است که با عضویت در سازمان همکاری شانگ‌های و اوراسیا می‌تواند در این قدرت آسیایی سهم داشته باشد و «به یک قدرت مهم در غرب آسیا تبدیل شود». حسین شریعتمداری، از چهره‌های سیاسی تندرو و مدیرمسئول روزنامه کیهان با اشاره به تحریم‌های غرب علیه ایران، روسیه و چین، «ائتلاف کشورهای تحریم‌شده» را پیشنهاد می‌کند. چنین ائتلافی می‌تواند ایران را به یک قدرت بزرگ در منطقه تبدیل کند. جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران معتقد است که روسیه و چین «همیشه در اوج تحریم‌های آمریکا با ما بوده‌اند» و «ایران تحت هیچ شرایطی شرکای استراتژیک خود را رها نخواهد کرد». این ۲ تصور، یعنی «انتظار انتقال قریب‌الوقوع قدرت در نظام بین‌الملل» و «تلقی روسیه به‌عنوان شریک استراتژیک ایران»، فارغ از درستی یا نادرستی‌شان، باعث می‌شود سیاست‌گذاران ایرانی هرگونه تجدیدنظر در روابط با مسکو را غیرضروری و یا حتی مخرب بدانند.
رسانه‌ها و افکارعمومی	مردم ایران، در ۲۰۰ سال گذشته آسیب‌های زیادی از پدیده جنگ دیده‌اند. هشت سال جنگ عراق علیه ایران، جنگ‌های گذشته روسیه علیه ایران و قراردادهای ترکمانچای و گلستان و ضمیمه‌شدن بخش وسیعی از خاک کشور به روسیه، اشغال ایران توسط انگلیس و روسیه، جنگ‌های آمریکا علیه عراق و افغانستان و حمله ناتو به کشور لیبی، حملات اسرائیل به کشورهای همسایه و حمله عربستان به یمن؛ بنابراین مردم ایران نسبت به «پدیده جنگ» در منطقه حساسیت منفی فوق‌العاده‌ای دارند و از جنگ بیزارند،

	حمله نظامی همسایه روس به اوکراین هم بخشی از این حساسیت است. در عصر تصویرسازی رسانه‌های جمعی، حرکت روسیه در حمله به اوکراین پیوست دیپلماسی عمومی نداشت و در افکار عمومی روسیه به یک کشور مستقل حمله و تمامیت ارضی آن کشور را مورد تجاوز قرار داده است و از طرف دیگر افکار عمومی بر این است که آمریکا اوکراین را قربانی اهدافی که برای روسیه داشته‌اند کرد.

مواضع سیاست خارجی ایران در قبال بحران اوکراین به شرح ذیل می‌باشد:

تأکید بر آتش بس و توقف جنگ

در جنگ آغاز شده میان اوکراین و روسیه، ایران از یک سو توسعه‌طلبی‌های ناتو و آمریکا را در شرق اروپا به‌عنوان محرک آغاز جنگ ارزیابی می‌کند و از سوی دیگر جنگ را راه‌حل بحران نمی‌داند و توصیه آن به هر دو کشور پرهیز از ادامه درگیری و پیشنهاد دوستی است.

تأکید بر راه حل سیاسی و دموکراتیک برای حل و فصل بحران

بحران اوکراین را ناشی از سیاست بحران‌سازی آمریکا تعریف می‌کند

ایران اعلام می‌دارد بحران اوکراین و مسئله برجام، مسائل امنیتی و «بحران‌هایی هستند که توسط آمریکا ساخته شده‌اند» و همانگونه که خروج آمریکا از برجام، واکنش ایران را برانگیخت، گسترش ناتو تا مرزهای روسیه نیز منجر به تحریک مسکو شد.

بحران اوکراین را ریشه در اقدامات و گسترش ناتو تعریف می‌کند

در نگاه جمهوری اسلامی، دولت آمریکا با تشدید احساسات ضدروسی اوکراینی‌ها و جذب آن‌ها بسوی غرب و اصرار بر گسترش ناتو به مرزهای روسیه و نیز نقض پیمان ۱۹۶۳ خلیج خوک‌ها عامل اصلی برپایی جنگ در اوکراین بوده (زمانی، ۱۳۹۲: ۸۹۶) و ریشه اصلی بحران اوکراین را گسترش ناتو، تحریک اوکراین برای حرکت در مدار غرب و ادغام آن با غرب و حمایت غرب از جنبش‌های دموکراسی‌خواه (انقلاب‌های رنگی) می‌داند (میرشایمر[1]، ۲۰۱۴: ۲).

1. Mearsheimer, John

گسترش ناتو به شرق، روسیه را در وضعیت آسیب پذیری قرار می‌دهد و با الحاق کشورهای اروپای شرقی و بالکان به آن، ساختار امنیتی روسیه را با مخاطره روبه‌رو می سازد (امام جمعه زاده و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۶۱). وقتی ناتو با حرکت به سمت شرق اروپا، برای محاصره روسیه خیز برمی دارد طبیعی است که روسیه احساس خطر کرده و عملیات پیشگیرانه را در دستورکار خود قرار دهد (اقتصاد نیوز، عباس‌زاده مشکینی؛ ۱۴۰۰/۱۲/۰۶).

گسترش ناتو به شرق را تهدیدی برای مرزهای شمالی ایران می‌داند

در نگاه ایران، ریشه اصلی جنگ زیاده‌خواهی ناتو و آمریکا برای اعمال فشار به روسیه است و نزدیک شدن به مرزهای این کشور و تهدیدات امنیتی ناتو بود که روسیه را ناچار به دفاع از خود کرد و ایران نیز سیطره‌طلبی و پیشروی ناتو به سمت شرق را تهدید استراتژیک برای مرزهای شمالی خود تعریف می کند.

ملاحظات محلی ایران و پایبندی به اصل تمامیت ارضی و حاکمیت ملی

رویکرد ایران در قبال بحران اوکراین ابعاد محلی نیز دارد؛ ایران به اصل تمامیت ارضی و حاکمیت ملی پایبند است و آشکارا از کمپین‌های نظامی روسیه حمایت نمی کند زیرا ممکن است در برخی از استان های مرزی که احساسات جدایی طلبانه وجود دارد، علیه خود ایران استفاده شود (اکو ایران،آزادی؛ ۱۴۰۰/۱۲/۱۱) روابط روبه‌رشد با روسیه در چند سال گذشته از یک سو و ویژگی همیشگی غرب‌ستیزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی از سوی دیگر، ایران را از محکومیت تهاجم نظامی روسیه به اوکراین باز داشته اما در عین حال سرزمین‌هایی را که مسکو تحت کنترل درآورده به رسمیت نمی‌شناسد.

این عوامل همراه با درک خاص رهبران ایران از انتقال قدرت در سیاست جهانی و نیاز آن‌ها به همکاری نظامی و دفاعی با مسکو و نیز افزایش خصومت ها بین تهران و غرب در زمینه برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای، باعث می شود بحران اوکراین تأثیر اساسی بر رویکرد کلی سیاست خارجی ایران در قبال روسیه نداشته باشد و بنابراین ایران روی حمایت روسیه در عرصه بین‌المللی حساب می کند و نمی‌خواهد این چشم‌اندازها را به خطر بیندازد.

تأثیر بحران اوکراین بر مواضع و راهبرد ایران در سطح منطقه

پیامدهای بحران اوکراین محدود به اروپای شرقی نمی شود و در چنین شرایطی بررسی استراتژی منطقه‌ای ایران در بحران اوکراین ضروری می‌نماید.

توسعه روابط با قدرت‌های نوظهور در شرق

گزارش های بانک جهانی نشان می دهد، از میان ۶ قدرت نخست اقتصادی در سال ۲۰۴۰ میلادی، چهار مورد غیرغربی خواهند بود: چین، هند، ژاپن و روسیه. پیش‌بینی های ژئوپولتیک و اقتصادی نشان می‌دهند، قاره آسیا در دو دهه پیش‌رو، بار دیگر به نقطه ثقل اقتصاد جهانی بدل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته ای در معرض سیاست حداکثرسازی فشار از جانب کاخ سفید قرار گرفت و با بدعهدی کشورهای اروپایی نیز مواجه شد، در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را بر توسعه روابط با قدرت‌های نوظهور، تقویت روابط با همسایگان و اتخاذ دیپلماسی متوازن بنا نهاد. تا رکن اساسی از «نظم جدیدی» باشد که چین و روسیه داعیه رهبری آن در جهان «پسا-آمریکایی» را دارند (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱/۴/۲۸) و در تحولات اخیر مهم‌ترین تأثیر جنگ اوکراین بر سیاست خارجی ایران، ظهور «نگاه به شرق تقسیم‌بندی‌شده» است که در آن روسیه به‌عنوان شریک اصلی نظامی- امنیتی و چین به‌عنوان شریک اصلی همکاری اقتصادی ایران در نظر گرفته می‌شود.

سیاست همگرایی و ایجاد بلوک اقتصادی در شرق آسیا

تشکیل بلوک اقتصادی با حضور ایران، روسیه، چین، هند و برخی از کشورهای شرق و غرب آسیا، که سیاست کاهش وابستگی به دلار و یورو را در دستور کار قرار دادند. این مجموعه به‌دلیل برخورداری از ظرفیت های بالای اقتصادی و انرژی فسیلی قادر خواهد بود سلطه دلار بر تعاملات منطقه‌ای و بازارهای انرژی جهان را در آینده کاهش و در منطقه فضای جدیدی برای همکاری‌های اقتصادی سامان دهند تا با شکل گیری یک ارز جدید وابستگی ها به اقتصاد غرب کاهش و به تدریج قطع شود (خبرگزاری ایمنا، هانی‌زاده؛ ۱۴۰۱/۴/۲۸).

حفظ موقعیت راهبردی و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در سوریه

اوج گیری مناقشه اوکراین برای حکومت بحران زده سوریه یک فرصت بود تا از فشارهای بیرونی تا حدودی رهایی یابد. بحران اوکراین از آن جهت که توجهات غرب را تا اندازه زیادی متوجه اوکراین و شرق اروپا کرد باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن بحران سوریه شد. بنابراین نگاه اروپایی‌ها عمدتاً به مسائل همسایه اروپایی‌شان معطوف شد. این مسئله برای ایران بدان جهت اهمیت دارد که حکومت سوریه متحد استراتژیک تهران است و سقوط آن به امنیت ملی ایران و محور مقاومت ضربه می زند، پس از این جهت نیز بحران اوکراین برای امنیت ملی کشور کارکرد داشته است (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۱). حمایت از سوریه و داشتن دست بالا در آن، در سیاست خارجی منطقه‌ای تهران بسیار پراهمیت است تا با استراتژی خود در سوریه و حفظ حکومت آن، امنیت خود را نیز بیمه نماید (موسوی،۱۳۹۶: ۱۰۵).

جمهوری اسلامی حفظ رژیم اسد را وسیله‌ای برای تضمین منافع اصلی خود می‌داند؛ منافع ایران در سوریه عبارتند از مقابله با نفوذ غرب، حفظ بشار اسد، و مقابله با گروه‌های افراط گرا (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۶۷). از سوی دیگر ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه با هدف جلوگیری از توسعه ی نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می کند از این منظر با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، بعید به نظر می رسد که حکومت جایگزین در این کشور با جمهوری اسلامی در دستیابی به اهداف منطقه ای و بین‌المللی، همراهی و سازگاری نشان دهد (بارتل و گری[1]،۲۰۱۲: ۱۴۲) و در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، ممکن است ایران با یک چالش و معضل امنیتی در منطقه روبه‌رو شود.

1. Bartell, Dawn. L & David, H. Gray

تأثیر بحران اوکراین بر مواضع و راهبرد ایران در سطح بین‌المللی

در بحران کنونی اوکراین، وضعیتی همانند جنگ سرد پدید آمده و سیاست خارجی کشورهای استراتژیکی چون ایران در سطح بین‌المللی تحت‌تأثیر این بحران با معادلات تازه‌ای روبه‌رو شدند، در چنین شرایطی مواضع بین‌المللی ایران به شرح ذیل قابل بررسی می‌باشد.

به چالش کشیدن نظم و هژمونی جهانی ایالات متحده آمریکا

آمریکا معتقد است اصول و هنجارهای حقوقی ترویج شده در دوره کوتاه هژمونی جهانی ایالات متحده (که از ۱۹۹۱ شروع و طی دهه گذشته فرسایش یافته) هنوز لازم‌الاجراء هستند و بر نظم نوین بین‌المللی که جایگزین نظام دو قطبی جنگ سرد[1] شده و جورج بوش از آن به‌عنوان نظم نوین جهانی[2] نام می‌برد، تأکید دارد (زمانی، ۱۳۹۲: ۹۱۲). درصورتی که جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل‌گیری تاکنون، به ساختار و بسیاری از قواعد نظم بین‌الملل اعتراض داشته و آن‌ها را نابرابر و به نفع قدرت‌های بزرگ می‌داند. تنش میان مسکو و غرب در اوکراین از آنجا که یک قدرت بزرگ را در برابر ناظم نظم کنونی قرار داده با مواضع کلی ایران در سطح بین‌المللی همخوانی دارد. روسیه با تاختن به رویکرد یک جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل و با اعتقاد به چندقطبی بودن آن، درصدد مقابله با آمریکا و غرب برآمده است (کریمی‌فر و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۶۵). این نگاه با مواضع جمهوری اسلامی در مورد نظم جهانی ناعادلانه قرابت زیادی دارد و با افزایش مقاومت‌ها در برابر نظم بین‌المللی فعلی، فشارها بر جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از مخالفان اصلی این نظم تعدیل می‌شود و امکان انتخاب‌های متنوع‌تری را برای کشور در روابط خارجی فراهم می‌آورد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۵).

همکاری‌های راهبردی مشترک با روسیه در زمینه‌های مختلف

ایران و روسیه دارای پیشینه نسبتاً طولانی در زمینه همکاری های راهبردی در مناطق مختلف هستند. همکاری های تهران- مسکو جهت مدیریت امنیت در آسیای مرکزی و غرب آسیا پس از جنگ سرد نشان از منافع راهبردی مشترک آن‌ها دارد. صحنه نبرد سوریه نمونه هایی از مهم‌ترین

1. Bipolar System of the Cold War
2. New World Order

سوابق همکاری‌های راهبردی منطقه‌ای دو کشور محسوب می‌گردند و از چنان اهمیت استراتژیکی برخوردار است که از آن به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور یاد می‌شود (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱/۴/۲۸)

در اوج‌گیری بحران اوکراین، تهران و مسکو هم‌زمان آماج سیاست‌های تحریمی آمریکا و غرب قرار گرفته‌اند، محور اصلی سفرها و دیدارهای دیپلماتیک دو کشور، همکاری‌های اقتصادی- نظامی و منطقه‌ای به‌ویژه مسئله مقابله با تحریم‌ها است؛ ازاین‌رو، می‌توان در جهت اهمیت و اولویت مسکو در سیاست‌خارجی ایران دلایلی را برشمرد؛

۱. خاطره تلخ خروج آمریکا از برجام، رهبران ایران را نسبت به آینده هرگونه توافق با واشنگتن بدبین کرده است.

۲. اگرچه ایران به‌طور جدی وارد مذاکرات وین برای رفع تحریم‌ها و بهبود اقتصاد داخلی خود شده، اما همچنان این نگرانی وجود دارد که پیروزی احتمالی یک چهره جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ یا ۲۰۲۸ آمریکا، بار دیگر موضع واشنگتن را در قبال توافق هسته‌ای تغییر دهد.

۳. در صورت عدم تعهد رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آینده آمریکا به برجام در این صورت، ایران بار دیگر برای فرار از فشار آمریکا به کمک روسیه و چین نیاز خواهد داشت. از این نظر، حفظ روابط نزدیک با روسیه یک طرح احتیاطی مرتبط با آینده برجام است.

۴. در صورت احیا و حفظ برجام نیز کشورهای غربی حاضر به همکاری با جمهوری اسلامی در زمینه های حساس مانند نظامی و دفاعی نخواهند بود. رویارویی روسیه و غرب بر سر اوکراین به‌طور بالقوه فرصتی برای گسترش همکاری‌های نظامی و توسعه قابلیت‌های نظامی پیشرفته ایران را فراهم می‌کند. همکاری با روسیه در کنار تلاش برای توسعه فناوری نظامی بومی، دو رکن اصلی استراتژی ایران برای ارتقای نیروهای مسلح این کشور بوده است. ازاین‌رو، «سیاست نگاه به شرق» به‌عنوان رویکرد غالب سیاست خارجی ایران است و این سیاست جهت موازنه‌سازی در برابر مجموعه غرب دنبال می‌شود.

رأی ممتنع ایران در مجمع عمومی به قطعنامه علیه روسیه

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد قطعنامه‌ای رأی‌گیری کرد که روسیه را به‌دلیل حمله به اوکراین محکوم می کند. این قطعنامه، با ۱۴۱ رای موافق، ۵ رای مخالف و ۳۵ رای ممتنع تصویب شد. با وجود تصویب قطعنامه با اکثریت چشمگیر، تعدادی از کشورهای جهان مانند ایران ترجیح دادند با رأی ممتنع یا غیبت در رأی‌گیری، بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کنند، ایران به همراه ۳۴ کشور دیگر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به قطعنامه علیه روسیه رأی ممتنع داد؛ اگرچه قطعنامه از نظر قانونی الزام‌آور نیست اما ۱۹۳ کشور عضو در این رای‌گیری شرکت کردند که می‌تواند به‌عنوان معیاری برای انزوای روسیه باشد. واکنش آرام ایران در حمله به اوکراین نشان‌دهنده همسویی با روسیه در دو دهه گذشته و تیرگی روابط فزاینده با غرب بوده و این موضع‌گیری ایران را از بی‌طرفی دور و اندکی به سمت مسکو متمایل کرده است (گزارش اکو ایران، آزادی، ۱۴۰۰/۱۲/۱۱).

تهدیدها و فرصت‌های جنگ اوکراین برای ایران

تهاجم نظامی روسیه به اوکراین با هدف بی‌طرف‌سازی این کشور و ایجاد یک منطقه حائل بین روسیه و ناتو، دربردارنده فرصت‌ها و تهدیداتی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است؛ ازاین‌رو توجه بیشتر و تحلیل دقیق‌تر فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از بحران اوکراین در راستای کاهش حداکثری آثار سوء و تأمین منافع ملی اهمیت بالایی دارد که به مواردی می‌توان اشاره کرد.

فرصت‌های پیش رو ایران

۱- مسیر ایران به‌عنوان جایگزینی برای تجارت و ترانزیت شرق به غرب

بحران طولانی‌مدت بین روسیه و اوکراین ممکن است رهبران چین را وادار کند درباره استفاده از مسیر روسیه- اروپا به‌عنوان کریدور اصلی تجدیدنظر کنند، در این صورت و به‌ویژه در صورت موفقیت مذاکرات برجام و رفع تحریم‌های ضدایرانی، مسیر ایران می‌تواند جایگزینی برای تجارت و ترانزیت شرق به غرب باشد. این امر می‌تواند همکاری‌های اقتصادی ایران و چین را که در

سال‌های اخیر نیز روبه‌رشد بوده، تقویت و روابط تهران- پکن را وارد فاز جدیدی کند (اقتصاد نیوز، آزادی، ۱۴۰۱/۰۲/۱۶).

۲- تأثیر بحران اوکراین بر انتقال انرژی ایران به اتحادیه اروپا

بعد از پایان دوران دو قطبی از نفوذ سیاسی مسکو در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به میزان قابل‌توجهی کاسته شد. ازاین‌رو روسیه در تلاش است با جایگزین کردن ابزار انرژی به جای تسلیحات دوران جنگ سرد توانایی تأثیرگذاری خود بر رفتار سایر واحدهای سیاسی را افزایش دهد (ویتز[1]، ۲۰۰۶: ۱۵۷) روسیه حدود نیمی از نفت و بیش از دو سوم گاز اوکراین را تأمین می‌کند و از آن به‌عنوان ابزاری برای تشویق حاکمان کی‌اف برای اتحاد سیاسی و اقتصادی با مسکو استفاده می‌کند (مک ماهان[2]، ۲۰۱۵/۸/۱) و اوکراین مجبور است برای حفظ ثبات اقتصادی و ممانعت از رکود صنایع داخلی و لطمه دیدن بخش های مرتبط با آن و همچنین سپری نمودن زمستان های بسیار سرد این سرزمین با روسیه در بخش انرژی کنار بیاید (زمانی، ۱۳۹۲: ۹۰۸). بحران در صادرات گاز روسیه به کشورهای اروپایی تاکنون چندین بار تکرار شده است. با توجه به تجربه تلخ اروپا در این زمینه و جلوگیری از افزایش هژمونی روسیه و همچنین متنوع‌سازی سبد انرژی خود، در تلاش برای جایگزینی به جای روسیه است (امیدی، ۱۳۹۲: ۳). و بحران کنونی در اوکراین این فرصت را پیش‌روی ایران، قرار می‌دهد.

در شرایط جنگی کنونی، عطش کشورهای اروپایی به تأمین گاز و نفت مصرفی خود از منابعی غیر از روسیه، سبب ایجاد بلوک‌بندی‌ها و یارکشی های جدیدی در عرصه بین‌المللی شده و ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز در جهان و مجاورت جغرافیایی با قفقاز، گزینه مناسبی برای انتقال گاز به اتحادیه اروپا است؛ بنابراین تشدید اختلافات اوکراین و روسیه باعث قوت گرفتن انتقال انرژی ایران به اروپا از راه قفقاز می‌شود (خبرگزاری شفقنا، ملایی، ۱۴۰۱/۲/۲۱). از آنجا که ایران ذخایر نفت خام قابل‌توجهی در فراساحل دارد که در حدود ۸۵ میلیون بشکه برآورد شده این منابع نفتی، قابلیت بهره‌برداری و صادرات به اروپا را دارد (روزنامه شرق، امیراصلانی، ۱۴۰۰/۱۲/۲۳). همچنین بحران اوکراین شرایطی را فراهم می‌کند تا ایران با موضع قوی‌تری در

1. weitz, Richard
2. MacMahon, Robert

مذاکرات وین حضور داشته باشد و به جای درخواست تضمین از اروپا، شرایط سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در زیرساخت‌های نفت و گاز ایران را فراهم آورد.

۳- فرصت دیپلماسی برای احیای برجام

بین دو بحران اوکراین و برنامه هسته‌ای ایران در جهان همپوشانی وجود دارد. بحران اوکراین بر معادلات و موازنه قوا میان طرف‌های مذاکره‌کننده و بینش آن‌ها بر روند جاری و جنگ اوکراین تأثیر گذاشته، از سویی می‌تواند فرصتی برای ایران جهت گرفتن امتیاز از غرب باشد و باعث برجسته شدن جایگاه ایران به‌عنوان یک تولیدکننده انرژی شود و ایران را به‌عنوان آلترناتیو روس‌ها در تأمین انرژی کشورهای اروپایی مطرح کند و آن‌ها را که به گاز روسیه وابسته هستند، به سمت بهره‌برداری از منابع انرژی ایران سوق دهد. اختلاف‌نظر اروپا، واشنگتن و مسکو بر سر حمله روسیه به اوکراین می‌تواند اتحاد بین قدرت‌های مذاکره‌کننده با ایران را تضعیف کند و به هر دلیل این چند کشور با هم درگیر شوند پتانسیل جبهه مقابل ما ضعیف می‌شود. ایران می‌بایست در این بازی دشوار توازن میان روسیه، متحد نظامی و استراتژیک خود را که در جریان رأی‌گیری با رأی ممتنع از آن حمایت کرد و همچنین غربی‌هایی که با آنان منافع متقابل وجود دارد، حفظ کند و ایران و ایالات متحده باید اختلافات کلیدی باقی مانده را در حالی که میانجیگران اروپایی و روسی وارد درگیری با یکدیگر شده‌اند، از بین ببرند.

۴- تغییر در استراتژی روسیه در فروش تسلیحات به ایران

از پیامدهای استراتژیک بحران اوکراین و تشدید شکاف بین قدرت های بزرگ و کاهش توان اقتصادی مسکو در اثر تحریم‌های بین‌المللی می‌توان به امکان تجدیدنظر روسیه در سیاست فروش تسلیحات به ایران به‌مثابه جایگزینی برای درآمدهای نفتی قطع شده این کشور اشاره کرد. ازاین‌رو با افزایش محدودیت‌های مالی و انزوای بین‌المللی روسیه، به نظر می‌رسد ایران خواهد توانست با آزادی عمل بیشتری نسبت به گذشته به خرید تسلیحات و انتقال فناوری نظامی موردنیاز خود از روسیه برای بازسازی توان دفاعی داخلی اقدام کند.

تهدیدهای پیش‌روی ایران

۱- شکل‌گیری رویه‌های جدید و الگوی جدایی‌طلبی

به رسمیت شناختن استقلال دو استان جدایی‌طلب شرق اوکراین «لوهانسک» و «دونتسک» توسط روسیه در صورتی که به یک رویه یا الگو تبدیل شود برای کشورهایی که دارای تنوع قومی و زبانی هستند به‌ویژه در مواردی که این تنوع در نقاط مرزی باشد و ادعاهای استقلال‌طلبی و رفتارهای گریز از مرکز نیز وجود داشته باشد یک تهدید محسوب می‌شود. ایران کشوری با تنوع قومیتی بالاست و حداقل در چهار منطقه مرزی این کشور (مناطق ترک‌نشین، کردنشین، عرب‌نشین و بلوچ‌نشین) برخی گرایش‌های تجزیه‌طلبانه و گریز از مرکز وجود دارد. و این می‌تواند در آینده باعث درگیری میان کشورهایی شود که ادعای حاکمیت بر مناطق هم‌زبان یا هم‌تبار خود در مرزهای کشورهای دیگر را دارند این موضوع می‌تواند برای ایران نیز مسئله‌ساز باشد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).

۲- خطر اختیاری شدن تفسیر قواعد و حقوق بین الملل

از دیدگاه روسیه، آمریکا همواره به‌دنبال این است که کشورهای اطراف روسیه را ترغیب نموده تا به ناتو ملحق شوند، درحالی‌که این موضوع زنگ خطری برای روسیه بوده که بر این اساس و با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد به اوکراین حمله کرد و با تفسیر موسع از حق دفاع از خود، اصل فوق را اینگونه تفسیر کرد که حتی اگر تهدید نمود عینی هم نیافته باشد و فقط به شکل ذهنی درک شده باشد، باید با عملیات‌های پیش‌دستانه و پیشگیرانه جلوی عینیت یافتن آن را گرفت. چنین اختلافاتی در تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند در آینده توسط دیگران مورد بهره‌برداری قرارگیرد و باعث می‌گردد دولت آمریکا نیز خود را محق بداند به هر کشوری که شک دارد حمله نماید، این موضوع می‌تواند ثبات منطقه‌ای ایران و سایر همسایگان را به خطر بیندازد (شاپوری، ۱۳۹۳: ۶۹).

۳- قدرت گرفتن دیپلماسی پنهان اسرائیل در سایه بحران اوکراین

مسئله فلسطین پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از اولویت‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطرح بوده و در مجموعه جهت‌گیری‌ها از جایگاه راهبردی برخوردار است. جایگاه و قدرت ایران نقطه ثقل محور مقاومت از سوریه و لبنان تا فلسطین و سایر عرصه‌های مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بوده است. با جنگ اوکراین، مسئله فلسطین و اشغالگری اسرائیل، از مرکز توجه جهانی خارج و وضعیت فعلی سبب گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا شده، مسئله‌ای که به‌شدت برای روند همگرایی منطقه‌ای و به‌ویژه جمهوری اسلامی تهدیدزاست و هرگونه چشم‌انداز صلح و همکاری دسته‌جمعی را از بین می‌برد. نکته اساسی و مهم این است که بیشتر کشورهای عرب منطقه از بلوغ سیاسی کافی برای زیست مستقل برخوردار نیستند و با چنین رویکردی، هر قدرت فرامنطقه‌ای که به این منطقه پا بگذارد، می‌تواند سیستم امنیتی را مختل کرده و سبب تفرقه و واگرایی و در نهایت رقابت و رویارویی بیشتر کشورهای منطقه شود (خبرگزاری شفقنا، ملایی، ۱۴۰۱/۲/۲۱).

با جنگ اوکراین، دیپلماسی پنهان اسرائیل وسیعاً، فعال شده تا ۶۰۰ هزار یهودی روسی و ۱۲۰ هزار یهودی اوکراینی را به سرزمین‌های اشغالی منتقل کند و با آسودگی خاطر به اشغالگری و شهرک‌سازی ادامه دهد و بهانه شهرک‌سازی جدید نیز، اسکان بخشی از «آوارگان جنگی اوکراین» خواهد بود. چنین افزایش جمعیتی آن هم از جمعیتی که عمدتاً تحصیل کرده و با فرهنگ اروپایی هستند، توان اقتصادی و انسانی قابل‌توجهی به اسرائیل اعطا می‌کند و به زیان فلسطینیان خواهد بود (مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، پرتو، ۱۴۰۰/۱۲/۱۸). در ارتباط با استراتژی اسرائیل در بحران اوکراین می توان به مواردی اشاره کرد؛ فروش بیشتر سلاح به اروپا و بقیه خریداران، توجه دوباره آمریکا و اروپا به برنامه بلندپروازانه صادرات گاز اسرائیل، با تعطیلی طرح نورد استریم و افق بلندمدت کاهش اتکای اروپا به گاز روسیه، امید اسرائیل در این زمینه دوباره احیا شده و از بابت دیگری هم امیدوار است که با افزایش فشار بر مسکو، روسیه نیروهایش را از سوریه خارج کند و در نتیجه اسرائیل آزادانه‌تر بتواند در سوریه عملیات کند و یا حتی دور جدیدی از جنگ داخلی در سوریه دربگیرد (همان، پرتو، ۱۴۰۰/۱۲/۲۱).

۴- خطر افزایش قدرت اعضای منطقه‌ای ناتو پس از بحران اوکراین

با فروپاشی جنگ سرد، برخی بر این عقیده بودند که ناتو فلسفه وجودی خود را از دست داده و دیر یا زود باید منتظر فروپاشی این اتحاد نظامی بود و افکار عمومی کشورهای عضو ناتو نیز با بیان اینکه دیگر خطری تحت‌عنوان شوروی وجود خارجی ندارد، خواستار کاهش سهم هزینه‌های نظامی کشورهای خود در این سازمان شدند (شاپوری، ۱۳۹۳: ۷۱). وقوع بحران در اوکراین انگیزه‌های جدیدی به ناتو برای تقویت شدن داده و با تبلیغات غرب در جریان این بحران، تحرکات ناتو در شرق اروپا تشدید و این سازمان به تقویت حضور نیروهای خود در این منطقه پرداخته است. بنابراین با اختلافات بنیادی که جمهوری اسلامی با غرب مخصوصاً آمریکا دارد، تقویت هر چه بیشتر فلسفه و توان ناتو به رهبری آمریکا به ضرر کشور خواهد بود. اگر اوکراین به سمت ناتو حرکت کند، امکان اتخاذ سیاست‌های غرب‌گرایانه توسط بعضی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز محتمل‌تر خواهد شد. این مسئله با توجه به مجاورت مرزی ایران با این مناطق می‌تواند تهدیداتی را متوجه ایران کند. از دیگر پیامدهای نزدیکی اوکراین به ناتو افزایش قدرت مانور ترکیه به‌عنوان رقیب سنتی ایران در منطقه است؛ زیرا در چنین شرایطی ترکیه فرصت‌های بیشتری جهت برآوردن اهدافش در مناطق پیرامونی کسب خواهد کرد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۲).

۵- قدرت گرفتن اپوزیسیون دولت اسد و تنش مجدد در سوریه در سایه بحران اوکراین

سوریه پذیرای تعداد زیادی از نظامیان روسیه است و بدون یاری مسکو، ممکن نبود که دولت بشار اسد بر سر کار باقی بماند. فشارهای اقتصادی و سیاسی بر روسیه در کنار وضعیت مبهم درگیری در اوکراین، سبب شده تا اپوزسیون اسد، خود را برای شروع مجدد درگیری آماده کنند. آن‌ها امیدوارند طولانی شدن جنگ اوکراین و استهلاک نظامی و اقتصادی روسیه، سبب شود تا نیروهای مسکو خاک سوریه را ترک کنند. در این صورت، ارتش سوریه در برابر خطر یک درگیری جدید بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. هر چند اپوزسیون دیگر آن قدرت گذشته را ندارند و قلمرو در کنترل‌شان تنها محدود به باریکه‌ای پیرامون ادلب است، اما هنوز زمینه درگیری و تنش در سوریه فراهم است و فقر و گرسنگی، محیط مستعدی برای پرورش نارضایتی و درگیری ایجاد کرده است. از آنجا که حکومت سوریه متحد استراتژیک تهران است هرگونه هرج و مرج و

قدرت گرفتن اپوزیسیون به امنیت ملی ایران و محور مقاومت ضربه می‌زند (مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، پرتو، ۱۴۰۰/۱۲/۲۱).

۶- خطر تهدید امنیت غذایی ایران در سایه بحران اوکراین

از آنجا که روسیه و اوکراین تقریباً یک‌سوم صادرات گندم جهان را در اختیار دارند، محصولی که در تهیه بسیاری از محصولات غذایی دیگر در کل جهان نقش اساسی دارد، کاهش صادرات آن و کمبود مواد غذایی در جهان دولت‌ها را با چالش جدی مواجه می‌کند. اوکراین همچنین چهارمین صادرکننده ذرت دنیا به شمار می‌رود که سهمی ۱۵ درصدی از بازار جهانی را در اختیار دارد و روسیه ۲/۳ درصد صادرات ذرت جهان را به خود اختصاص داده است. ذرت مورد نیاز ایران نیز از کشورهای برزیل، روسیه، اوکراین و رومانی تأمین می‌شود، اما با توجه به جنگ میان دو کشور، ایران با چالش و کمبود نهاده گندم و ذرت مواجه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

یافته های پژوهش پیش رو در راستای بررسی راهبرد سیاست خارجی ایران در بحران اوکراین در دو بخش قابل‌تأمل است که عبارتند از:

۱. تأثیرات بحران اوکراین بر مواضع و راهبرد سیاست خارجی ایران در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

۲) تبیین فرصت ها و تهدیدهای بالقوه حاصل از بحران اوکراین برای جمهوری اسلامی در راستای کاهش حداکثری آثار سوء و تأمین منافع ملی.

پیامدهای جهانی‌شدن بحران اوکراین به حوزه اروپا محدود نشده و در اولویت های سیاست خارجی بسیاری از کشورها تأثیر گذاشته و از آنجا که بحران اوکراین جایگاه بین‌المللی ایران را به‌دلیل موقعیت ژئوپلتیک و دارا بودن ذخایر انرژی ارتقا داده، ایران نقش حیاتی در این بازی جدید روسیه دارد. موضع‌گیری ایران در این بحران از اهمیت خاصی برخوردار است و چند مؤلفه در اتخاذ موضع آن در بحران اوکراین تأثیر گذاشته که عبارتند از: ویژگی همیشگی غرب‌ستیزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و پیشینه روابط با شرق، مذاکرات احیای برجام.

در وضعیت کنونی برخی اتخاذ سیاست بی‌طرفی ایران را پیشنهاد می‌دهند، درحالی‌که از منظر تاریخی اتخاذ سیاست بی‌طرفی در دو جنگ اول و دوم جهانی با ارزیابی ناصواب دولتمردان وقت پیامدهای فاجعه‌باری برای کشور داشت. حال با این تجربه تاریخی و از طرفی ضرورت احیای برجام و تحقق توافق خوب، سیاست بی‌طرفی در بحران اوکراین راهگشا نیست و به بیشینه سازی منافع ملی ما کمکی نمی‌کند، آن‌چنان که در گذشته نکرد. ایران نه می‌تواند همکاری‌های خود با روسیه که در دهه‌های اخیر متحد ایران بوده را نادیده بگیرد و نه می‌تواند بی‌توجه به مذاکرات وین و احیای برجام باشد و با حمایت بی‌قید و شرط از روسیه در حین مذاکرات هزینه دهد. ایران می‌بایست در میانه این دو بازیگر با ایفای نقش فعالانه، از مجادله روس‌ها و آمریکایی‌ها و نیاز طرفین به مدیریت بحران استفاده کند و هم مانع تشدید اختلافات در حوزه احیای برجام شود و البته این بازی دوگانه ایران با سیاست خارجی بی‌طرفی کامل تفاوت‌های بنیادین دارد.

موضع ایران از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه، با افت‌وخیزهایی روبه‌رو بوده است. در اولین موضع رسمی «ضمن تحریک‌آمیز دانستن اقدامات ناتو، بر راه‌حل سیاسی و گفت‌وگو برای حل‌وفصل بحران تأکید کرد». در واقع موضع اولیه ایران که بارها از زبان وزیر خارجه و سخنگوی آن وزارت بیان شد، بر سه اصل استوار بود:

۱. با گسترش ناتو و دخالت‌های غرب در روابط دو همسایه مخالف است.

۲. جنگ را راه‌حلی برای مشکلات میان کشورها نمی‌بیند و خواستار توقف درگیری‌های خشونت‌آمیز از جانب تمام طرف‌هاست.

۳. تحریم یا محاصره اقتصادی که از سوی کشورهای غربی دنبال می‌شود، کمکی در حل مشکلات فعلی و پایان درگیری‌ها نیست.

کما اینکه با وجود تصویب قطعنامه با اکثریت چشمگیر، دستگاه دیپلماسی کشور ترجیح داد با رأی ممتنع، بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کند. و از طرفی به اوکراین نیز اطمینان دهد که «حامی هیچ‌یک از طرف‌های جنگ نیست و از حل مناقشه از طریق مذاکره و گفت‌وگو دفاع می‌کند». با وجود این مواضع نسبتاً متوازن، به نظر می‌رسد تحولات جنگ اوکراین و تلاش مسکو در یارگیری دیپلماتیک از میان کشورها، ایران را از موضع بی‌طرفی دور و اندکی به سمت مسکو متمایل کرده و «سیاست نگاه به شرق» به‌عنوان رویکرد غالب سیاست خارجی ایران جهت

موازنه‌سازی در برابر مجموعه غرب دنبال می‌شود. بنا به فرضیه پژوهش، اتخاذ سیاست و راهبرد ایران نسبت به بحران اوکراین دارای اهمیت می‌باشد و از یک طرف می‌بایست متحد استراتژیک خود یعنی روسیه را با خود و سیاست خارجی خود همسو و همراه کند و از طرف دیگر نسبت به اوکراین مواضع عقلانی و مبتنی بر منافع ملی جمهوری اسلامی اتخاذ کند و آنچه دستگاه دیپلماسی کشور می‌بایست پیگیری کند؛ تثبیت حداکثری منافع ملی با تأکید بر دیپلماسی صلح است و بنابراین می‌بایست به جای اتخاذ یک موضع صرفاً سیاسی، موضعی مبتنی بر حقوق بین‌الملل و اصول پایه‌ای منشور سازمان ملل مطرح کند. در این راستا نیز راه‌حل عملی پیشنهادی دهد تا میان روسیه و کشورهای غربی معاهده‌ای منعقد شود که در آن ناتو متعهد شود در ازای پایان ادعاهای سرزمینی روسیه، روند توسعه اعضایش را متوقف سازد و به مرزهای جولای ۱۹۹۱ (انحلال پیمان ورشو) عقب‌نشینی کند.

بحران اوکراین تهدیدها و فرصت‌هایی را برای کشورمان ایجاد می‌کند که باید تلاش شود از تهدیدها رفع خطر و از فرصت‌ها نهایت بهره‌برداری صورت پذیرد. گسترش تنش میان روسیه و غرب فرصت بسیار مناسبی است برای کاستن از فشارهای ناعادلانه سه دهه گذشته غرب علیه ایران. و جهش جهان به سمت نظام چند قطبی، ایران را از فضای محصور سه دهه گذشته خارج می‌کند و به آن امکان بازیگری در محیطی پویاتر را می‌دهد. حضور و نقش‌آفرینی ایران در چنین برهه‌ای به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دارندگان منابع گازی در جهان می‌تواند، قدرت چانه‌زنی ایران را در جهان بالا برده و آغاز راهی برای رساندن گاز ایران به اروپا، اهرمی برای کاستن از فشار غرب، عامل متوازن‌ساز قدرت به نفع تهران باشد. فرصت‌های فوق از دریچه بحران اوکراین پیش روی ایران قرار گرفته است. در مقابل، تضعیف قواعد و حقوق بین الملل و تقویت همبستگی و توان ناتو می‌تواند تهدیدهایی را متوجه کشورمان کند.

ایران، می‌تواند در آینده به‌عنوان جایگزین صادرات گاز و نفت روسیه برای اروپا مطرح شود، هرچند که این گزینه برای روسیه غیرقابل پذیرش باشد. بنابراین، این راهبرد مفید خواهد بود که تمام تخم مرغ‌ها در سبد روسیه گذاشته نشود، چرا که در صورت ورود ایران به بلوک مورد نظر روسیه، ایران نیز هم در برجام و هم در تبعات بحران اوکراین به‌طور حتم آسیب خواهد دید. اگر چه همسویی ایران با روسیه در بحران اوکراین، می‌تواند سبب حمایت مسکو از ایران در جریان

مذاکرات برجام گردد، اما برخی بر این باورند که این احتمال نیز وجود دارد که طرف غربی، ایران را با اوکراین معامله کند و این یک چالش احتمالی برای ایران محسوب می‌شود. بنابراین دستیابی به درجه‌ای از استقلال سیاسی و توان مانور در روابط خارجی مستلزم داشتن روابط اقتصادی با شرق و هم با غرب است. امکان پیگیری یک سیاست متوازن در روابط با قدرت‌های شرقی و غربی برای ایران فراهم است تا یک رویکرد متوازن «نه در ضدیت با روسیه» بلکه برای تعادل با غرب، چه اروپا و چه آمریکا در این بحران اتخاذ و هم بر اساس آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی در دفاع از حق آزاد مردم اوکراین اقدام کرد. بر همین اساس موضع گیری و اولویت سیاست خارجی ایران با توجه به واقعیات موجود در عرصه بین‌الملل، رصد صبورانه تحولات و تصمیم گیری قاطع در واکنش به آن خواهد بود و از این جهت، بهترین حالت ممکن نهایی کردن توافق برجام، ضمانت اجرا لازم و کافی برای تثبیت آن و لغو تحریم‌ها، جذب سرمایه خارجی در حوزه انرژی، تثبیت حضور خود در بازار جهانی نفت و تأمین امنیت انرژی اتحادیه اروپا گزینه مطلوب و به سود کشور خواهد بود. به موازات نظریه واقع گرایی ساختاری، نکته حائز اهمیت در جریان بحران اوکراین این است که این جنگ، تجربه‌ای آشکار به جمهوری اسلامی می‌دهد تا بتواند از آنچه که «معمای امنیت» به‌وسیله اصل «خودیاری» خوانده می‌شود درس فرا گیرد و در نظام بین‌الملل آنارشیک با شناسایی دقیق وضعیت و کنش و واکنش ابرقدرت ها و اتخاذ راهبرد بینابین بر اساس تأمین بیشینه منافع و امنیت ملی اقدام نماید.

فهرست منابع

قوام، عبدالعلی، (۱۳۹۲)، **روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: انتشارات سمت.

امام جمعه‌زاده، جواد و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، جنگ سرد جدید: چشم انداز رقابت‌های ژئوپلتیک میان ناتو و شانگ های، **مجموعه مقالات پانزدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

امیدی، علی (۱۳۹۲)، چشم‌انداز روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران- ارمنستان و قابلیت آن در ترانزیت گاز، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۹،شماره ۸۳

بهمن، شعیب (۱۳۹۳)، بازیگران بحران اوکراین؛ **مجله سیاسی- راهبردی بصائر**، سال ۳۱، شماره ۳۴۰.

رستمی، محمدرضا (۱۳۹۳)؛ بحران اوکراین؛ زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرامنطقه‌ای، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۵، ۶۵-۳۵.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۳)، ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، شماره ۳.

زمانی، ناصر، (۱۳۹۲)، تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هفتم، شماره ۴، ۹۱۸-۸۸۹.

شاپوری، مهدی، (۱۳۹۳)، بحران اوکراین: دلایل،پیامدها و چشم‌انداز، **ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی**، شماره ۲۴ و ۲۵، ۷۲-۵۵.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و شیراوند، صارم (۱۳۹۶)، تأثیر تحولات ژئوپلتیک اوکراین بر امنیت روسیه از منظر ژئوپلتیک انتقادی، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۹، ۱۲۳-۸۹.

عزیزی، حمیدرضا و نجفی، مصطفی (۱۳۹۶)، آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین المللی**، سال نهم، شماره ۲، ۹۵-۶۷.

فتحی، فرحناز، (۱۳۹۹)، نقد رئالیسم ساختاری با مداقه در سیاست خارجی و واقع‌گرایی ساختاری، **فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی**، دوره دوم، شماره ۴.

فداکاریان، جلال و حسینی، حسین، (۱۴۰۰)، ارزیابی عملکرد دولت آمریکا در کنترل بحران کرونا، **فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری**، سال سیزدهم، شماره ۴، ۵۱-۷.

فلاحی، احسان و عامری، اسدالله، (۱۳۹۵)، ریشه‌های بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره ۳۴، ۹۲-۶۶.

کریمی‌فر، حسین و روحی دهینه مجید (۱۳۹۳)، بیشینه‌سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۳، ۵۷۷-۵۵۱.

کولایی، الهه و صداقت، محمد (۱۳۹۶)، بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۰، شماره ۱، ۲۲۰-۲۰۵.

صفری، علی‌اکبر؛ عظیمی حسینی، سیده شبنم (۱۴۰۰)، بررسی الگوهای مدیریت بحران، **هفتمین کنفرانس بین‌المللی کشاورزی، محیط زیست، توسعه شهری و روستایی**.

محمدخانی، علیرضا (۱۳۸۸)، تبیین رویکرد نو واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره ۳، ۷۵-۶۳.

موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ۷، شماره ۴، ۱۲۸ -۸۹.

نسرین‌دخت، نصرت (۱۳۸۵)، **تغییرات سیاسی یا انقلاب؛ مورد اوکراین**، رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۹۸.

نونژاد، محمد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۷)، تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۷۵-۱۴۵.

آزادی علی، (۱۴۰۱)، **مؤثرترین پیامد جنگ اوکراین بر سیاست‌خارجی ایران**، ۱۶/۰۲/۱۴۰۱، قابل دسترسی در: https://www.eghtesadnews.com - 490454

آزادی علی، (۱۴۰۰)، سیاست بهینه ایران در جنگ اوکراین، ۱۴۰۰/۱۲/۱۱، قابل دسترسی در: https://ecoiran.com -11729

آزادی علی، (۱۴۰۱)، **مهم‌ترین دلایل تهران برای عدم تجدیدنظر در روابط با مسکو**، ۱۴۰۱/۲/۱۸، قابل دسترسی در: https://ecoiran.com-14076

ام. دورسی جیمز، (۱۴۰۰)، **بحران اوکراین به نفع ایران است**، ۱۴۰۰/۱۱/۶ قابل دسترسی در: https://www.asriran.com/fa/news/824201

امیراصلانی اردوان، (۱۴۰۰)، **ایران جایگزین روسیه می‌شود؟**، ۱۴۰۰/۱۲/۲۳، قابل دسترسی در: https://www.sharghdaily.com-842316

پرتو امین، (۱۴۰۰)، **بازندگان جنگ روسیه با اوکراین**، ۱۴۰۰/۱۲/۱۸، قابل دسترسی در: https://www.cmess.ir/Page/View/2022-03-09/5039

پرتو امین، **(۱۴۰۰)، برندگان جنگ روسیه با اوکراین**، ۲۱ /۱۴۰۰/۱۲، قابل دسترسی در: https://www.cmess.ir/Page/View/2022-03-12/5042

حمیدپور اعظم و سرابی صفر، **(۱۴۰۰)، بحران اوکراین چه ارتباطی به ایران دارد**، ۱۴۰۰/۱۱/۱۸، قابل دسترسی در: https://www.irna.ir/news/84637992

خبرگزاری جمهوری اسلامی، (۱۴۰۱)، رسانه‌های انگلیس: سفر پوتین به ایران نقطه عطف تشکیل ائتلاف ضدغرب است، ۲۸ /۱۴۰۱/۴، قابل دسترسی در: https://www.irna.ir/news/84825780

دنیای اقتصاد، (**۱۴۰۰**)، موضع ایران در قبال بحران اوکراین، ۱۴۰۰/۱۲/۷، قابل دسترسی در: https://donya-e-eqtesad.com-3845810

رنجبرفلاح **محمدرضا،(۱۴۰۰)**، بحران اوکراین و تحریم روسیه فرصت مناسبی برای نفت و گاز ایران است، ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ ، قابل دسترسی در: https://www.radareghtesad.ir/news/26196

صلواتی علیرضا،(۱۴۰۰)، **بحران اوکراین؛ تهدید و فرصتی برای ایران و روسیه**، ۱۴۰۰/۱۲/۴، قابل دسترسی در: https://www.aa.com.tr/fa//2510872

عباس‌زاده مشکینی محمود، (۱۴۰۰)، **موضع ایران در قبال بحران اوکراین**، ۰۶/۱۲/۱۴۰۰ ، قابل دسترسی در: https://www.eghtesadnews.com-478890

فخاری، رامین، (۱۴۰۰)، چشم‌انداز اثرات بحران اوکراین بر منافع ملی ایران، ۱۴۰۰/۱۲/۸ ، قابل دسترسی در: http://irdiplomacy.ir/fa/news/2010090

کورتونف، آندره، **(۱۴۰۰)، اثر بحران اوکراین بر رقابت قدرت‌های بزرگ و خاورمیانه**،۱۸ /۱۴۰۱/۳، قابل دسترسی در: https://www.eurica.ir -26452

متقی ابراهیم،**(۱۴۰۰)، اثر بحران اوکراین بر معادلات جهان**، ۱۴۰۰/۱۲/۷، قابل دسترسی در: https://donya-e-eqtesad.com-3845809

محبعلی قاسم، **(۱۴۰۰)، تأثیر بحران اوکراین بر سیاست خارجی ایران**، ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ ، قابل دسترسی در: 3847930 https://donya-e-eqtesad.com/64/

ملایی اعظم، **(۱۴۰۱)، تبعات جنگ اوکراین بر خاورمیانه**،۱۴۰۱/۲/۲۱، قابل دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1369273

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۴۰۱)، **سفر پوتین به ایران؛ نمایی از یک ائتلاف استراتژیک**، ۱۴۰۱/۴/۲۸ ، قابل دسترسی در: https://www.isna.ir/news/1401042818931

هانی‌زاده حسن،(۱۴۰۱)، **نشست آستانه و نقش محوری ایران در منطقه**، ۱۴۰۱/۴/۲۸، قابل دسترسی در: https://www.imna.ir/news/589148

Bartell, Dawn. L & David. H. Gray. (2012). “Conflict in Syria and the Opportunity to Reduce Iran’s Regional Influence and Iran’s Threat to the International Community”. **Norwich University Masters of Diplomacy** School of Graduate Studies. 3 (4). pp. 136-147

MacMahon, Robert (2014), “Ukraine in Crisis”, Council on Foreign Relations, Available at**: http://www.cfr.org**, Accessed on: 2015/8/1.

Mearsheimer, John J (2014), "Why the Ukraine Crisis Is the West’s Fault, The Liberal Delusions That Provoked Putin", **Foreign Affairs**, Vol. 93, No. 5.

Nygren, Bertil. (2008). *The Rebuilding of Greater Russia Putin’s Foreign Policy Towards the CIS Countries*, New York: Routledge.

Waltz, k. (1988) *The Origins of War in Neorealist Theory*, **Journal of interdisciplinary History**, Vol.18, 615-628.

weitz, Richard (2006) “ Averting a New Great Game in central Asia” ,**The Washington Quarterly**, Vol.29, No.3.